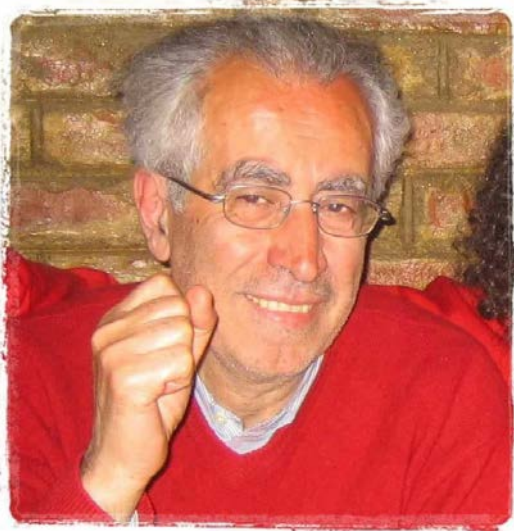


# ادای احترام به مبارزی که نو شدن را زندگی می‌کرد و هیچ مانع ذهنی و عینی کهنه‌ای را در راه رهایی بشریت بر نمی‌تابید!



رفیق امیر حسن‌پور زبان‌شناس، پژوهش‌گر انقلابی، معلم مبارز و کمونیست خستگی‌ناپذیر بامداد روز شنبه ۲۴ ژوئن در سن ۷۴ سالگی پس از یک دوره جدال با بیماری سرطان در کانادا درگذشت.

بنا به باور سنت‌شکنانه و منش خلاف جریان‌اش هیچ مراسم سنتی برای او برگزار نخواهد شد. بنا به عادات مرسوم سبقه‌ی طولانی و پرافتخار مبارزاتی و سیاسی و مدارج بالای علمی‌اش دست‌مایه‌ی تسلیت‌گویی‌های عادت‌ی و یادمان‌های غلوآمیز خواهد بود و ... اما این ساختارشکنی او ذره‌ای از این حقیقت کم نخواهد کرد که رفتن او بار غم سنگینی را برای همیشه بر دوش خانواده، رفقا و دوستان، هم‌زمان و شاگردانش و تمام کسانی که قلب امیر به خاطر آن‌ها می‌تپید، تحمیل خواهد کرد؛ این حقیقت که در روزگار سلطه‌ی واپس‌گرایی، جهالت و جنایت، جنبش انقلابی و ستم‌دیده‌گان جهان یکی از آگاه‌ترین، متعهدترین و جدی‌ترین همراهان‌شان را از دست دادند، چون امیر هم دست‌توده‌ها بود برای گسستن زنجیرهای‌شان و در تمام گره‌گاه‌های سخت تاریخی و طبقاتی این همدستی انقلابی را با هیچ منفعت و امتیازی طاق نزد.

امیر نو شدن را زندگی می‌کرد و هیچ مانع ذهنی و عینی کهنه‌ای را در راه رهایی بشر بر نمی‌تابید. مرزها، ملیت‌ها، دولت‌ها را پدیده‌هایی کهنه می‌دانست که مانعی در راه رهایی بشریت هستند. اگرچه همراه راسخ و انقلابی مبارزات ملت تحت ستم گرد بود و مردم فلسطین را لحظه‌ای تنها نگذاشت و خودش را بخشی از مبارزات مردم از ویتنام تا ظفار می‌دانست و ... اما به مرز و ملیت، وطن و کشور باور نداشت و در راه برداشتن تمام مرزها و ملیت‌ها مبارزه می‌کرد.

رهایی بشریت از ستم و استثمار را در گروه از بین رفتن کلیه‌ی ساختارها، افکار و مناسبات طبقاتی در جهان می‌دانست. رهایی زنان را چنان عمیق و علمی درک کرده بود که هیچ تغییر ریشه‌ای را بدون از بین رفتن فرودستی زنان متصور نبود؛ و از بین رفتن ستم بر زن را چنان برای رهایی بشریت ضروری می‌دانست که هیچ مبارزه‌ی انقلابی را بدون حضور آگاهانه و انقلابی زنان امکان‌پذیر نمی‌دانست. چنان این دیدگاه‌های علمی، آگاهانه با تفکر و مناسبات روزمره‌ی او عجین شده بود که جز معدود رفقای بود که در کنارش تفاوت جنسیت، سن و دانش قابل لمس نبود. لحظه‌ای از آموختن دست بر نمی‌داشت و چنان فروتنانه اما عمیق آموزش می‌داد که میل به دانستن را بیدار نگاه می‌داشت. دانش عمیق و درس‌های مبارزاتی را چنان ساده، پرمحتوا، به دور از بزرگ‌نمایی، شیوا و فروتنانه بیان می‌کرد که امکان و امید به تغییر را بازنمایی می‌کرد. اما نسبت به صحت اظهاراتش (کتبی یا شفاهی) تعهد بالایی داشت. هنر او در برخورد به توده‌ها اما سخنوری نبود بلکه گوش کردن، فهمیدن و مسئولانه برخورد کردن به سوالات و گره‌های ذهنی‌شان با نهایت ادب و فروتنی بود. در عین حال اما از مواضع سیاسی خود بی‌مهابا دفاع می‌کرد و هیچ امتیازی برای هیچ‌کس قائل نبود... چون امیر کمونیستی بود که ایده‌هایش برای تغییر جهان را زندگی می‌کرد. از نسل انقلابیون شورشی مه ۶۸ بود که کشتار ۶۷ هم آن‌ها را به زانو در نیورد. زیر حمله‌ی کشتار و قتل‌عام و برپایی کارزارهای تبلیغاتی ضد انقلاب به رنگ اکثریت در نیامد و با تمام توان باز هم دست به ریشه‌ها برد. شکست انقلابات قرن بیستم را نشانه‌ی ورشکستگی امکان انقلاب ندانست و به صف اقلیتی پیوست که زندگی خود را صرف فهمیدن دلایل علمی شکست انقلابات کردند تا بتوانند، یورش نوین برای به قدرت رساندن خلق قدرت شده‌گان تدارک ببینند. در راه این تدارک عظیم از هیچ خدمتی در هیچ عرصه‌ی فروگذار نکرد. به همین دلیل زندگی پربارش سفری تجسسی از مهاباد تا تورنتو بود که تمام تجربه‌ی شخصی و مبارزاتی‌اش دست‌مایه‌ی تحقیقی به وسعت تاریخ بشر و گستره‌ی جهان بود، برای شناخت عمیق‌تر زندگی بشر به قصد تغییر آن؛ و چه زیبا، پرشکوه و مؤثر این سفر را به پایان رساند. ردپای او هم بر ساحل زندگی باقی خواهد ماند. او در قلب کسانی که دوستش دارند، زنده، پویا، پرحرارت، آتشین و سرخ باقی خواهد ماند.

رفیق امیر درود بر تو که چنان پر بار و سرافراز زیستی!

ما هم در سنگر ستم‌دیده‌گان آن‌طور که تو دوست داشتی، خواهیم رزمید تا روزی که افکار نوین و پرشور تو متحقق شود!  
در آن روز ما میلیون‌ها نفر به یاد زندگی پرارزش، شکوهمند و فداکارانه‌ی تو و هزاران انقلابی خواهیم رقصید و زندگی را جشن خواهیم گرفت!

روزی صدای آزادم، در هر ستاره می پیچد  
با من، تو و هزاران من، مثل شکوه یک تن  
آن روز، دوباره می‌خوانیم، خشم صدای توفانیم ما

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

۲۶ ژوئن ۲۰۱۷